

شاخصه های فرزند پروری در راستای تعالی خانواده از منظر آموزه های اسلامی

چکیده

از نگاه تعالیم اسلامی، تربیت فرزند وظیفه ای الهی و رسالتی اخلاقی است که با محبت، هدایت و الگوی عملی والدین شکل می گیرد. فرزندپروری آگاهانه، سرمایه گذاری بلند مدت برای سعادت فرد و سلامت جامعه است و در آموزه های اسلامی این مسئولیت رنگی الهی به خود گرفته است. هدف این پژوهش استخراج اصول فرزندپروری در سبک زندگی اهل بیت (ع) بود. برای تحقق این هدف به روش عقلی _ نقلی تمسک شده است و روش جمع آوری اطلاعات در مقاله حاضر کتابخانه ای است. از جمله دستاوردهای این پژوهش می توان به اصول زیر اشاره کرد: زمینه سازی: تربیت یک فرایند پیچیده و مستمر است، بنابراین باید در هر مرحله سنی، زمینه های لازم برای تربیت در مراحل بعدی فراهم گردد پیشگیری: توجه به آسیب های احتمالی در فرایند تربیت و راه های پیشگیری از آنها اهمیت دارد تکریم: هرگونه رفتاری که موجب خدشه دار شدن حرمت فرزند شود، نامناسب و نادرست است تدریج: برنامه های تربیتی باید به صورت گام به گام و متناسب با ویژگی های سنی، جنسیتی و شرایط خاص هر فرد طراحی و اجرا شوند توجه به توانایی ها و ظرفیت ها: برنامه ها باید با مراحل رشدی و ظرفیت های هر فرزند هم راستا باشند. عدم تحمیل بر کودک: والدین باید تا قبل از سن تمییز، اجازه دهند فرزندان در انجام فعالیت های مورد علاقه و تجربه گرایی آزادانه عمل کنند.

کلیدواژه ها: تعالی خانواده، سبک زندگی، فرزندپروری، والدین

مقدمه

سبک زندگی از موضوعاتی است که در دو دهه اخیر توجه زیادی در سطح جهانی به خود جلب کرده و به‌ویژه در ایران اسلامی، پس از سخنرانی مقام معظم رهبری در بجنورد، به یکی از محورهای مهم در عرصه تحقیق و تبلیغ تبدیل شده است. سبک زندگی به‌طور کلی به الگوها و شیوه‌های رفتار و تعامل انسان‌ها در عرصه‌های فردی و اجتماعی اطلاق می‌شود که هدف از آن دستیابی به اهداف خاص زندگی است و به شدت تحت تأثیر ارزش‌ها و ترجیحات فرد قرار دارد. سبک زندگی هر فرد بیشتر تحت تأثیر محیط بیرونی و الگوهای گذشته و حال قرار دارد و به تدریج برای هر فرد شکل می‌گیرد. برای فرد مسلمان، منبع انتخاب سبک زندگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و بدون شک، بهترین و مطمئن‌ترین الگو برای زندگی مسلمانان، سبک زندگی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) است. سبک زندگی اهل بیت (ع) شامل ابعاد مختلفی است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، شیوه تربیت خانواده و به‌ویژه تربیت فرزندان است. بررسی سیره اهل بیت (ع) نشان می‌دهد که آن بزرگواران، روش‌های خاص و اصول تربیتی ویژه‌ای را برای پرورش فرزندان خود به کار گرفته‌اند. این مقاله قصد دارد تا پس از ارائه تعریفی از اصول تربیتی، برخی از مهم‌ترین اصول تربیتی اهل بیت (ع) در زمینه تربیت فرزندان را مورد بررسی قرار دهد.

خانواده به‌عنوان نخستین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی، زمینه‌ساز رشد انسان است. در مسیر رشد طبیعی هر کودک، تغییرات شناختی، عاطفی و اجتماعی متعددی رخ می‌دهد. تقریباً تمام کودکان در دوران رشد خود و در فرآیند سازگاری با این تغییرات با مشکلاتی مواجه می‌شوند. بسیاری از مشکلات رفتاری کودکان منعکس‌کننده‌ی شرایط پیچیده‌ی بین‌فردی اعضای خانواده، به‌ویژه مادران است. به عبارت دیگر، مشکلات رفتاری فرزندان نشانه‌ای از روابط ناکارآمد اعضای خانواده با یکدیگر است که به‌ویژه با شیوه‌های نادرست فرزندپروری مادران و تعاملات معیوب آن‌ها با فرزندان مرتبط می‌باشد (مک‌دانیل، ۱۳۵۱). شیوه‌های فرزندپروری به روش‌هایی اطلاق می‌شود که والدین برای تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرند. این شیوه‌ها بازتاب‌دهنده‌ی نگرش‌ها و باورهای والدین نسبت به فرزندان‌شان است و همچنین شامل معیارها و قوانینی است که برای آن‌ها وضع می‌شود. اما باید توجه داشت که الگوهای فرزندپروری تحت تأثیر فرهنگ، نژاد و وضعیت اقتصادی تغییر می‌کند.

مفهوم شناسی

در ابتدا به مفهوم شناسی لغوی و اصطلاحی برخی واژگان پرداخته می شود:

۱) تربیت

واژه تربیت در لغت از ریشه (ر ب و) و از باب تفعیل است. عرب زبانان به تپه «ربوه» می گویند؛ چرا که نسبت به سطح زمین برآمده تر است. نفس زدن را ربو می گویند؛ چرا که هنگام نفس کشیدن سینه برآمده می شود و نیز «ربا» را بدین نام نهاده اند؛ از آن روی که بر مال افزوده می شود (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۲، ص ۴۳۸). خلیل بن احمد فراهیدی در مورد معنای لغوی این واژه قائل است که ریشه آن به معنای زیادت است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۲۴۸). راغب اصفهانی در معنای این لغت همان سخن فراهیدی در العین را آورده و در کنار آن قائل شده است که اصل این کلمه (ریب) می باشد که یک حرف آن برای تخفیف در لفظ به حرف (ی) تبدیل شده است (اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۴۰).

تربیت در اصطلاح بروز دادن و به فعلیت رساندن استوارهای ذاتی موجودات، تربیت نامیده می شود. استاد مطهری در تعریف تربیت بیان می کند، تربیت فقط در مورد جاندارها یعنی گیاه و حیوان و انسان صادق است و اگر این کلمه را در مورد غیر جاندار به کار برده شود، مجازاً به کار برده شده است نه اینکه به مفهوم واقعی آن شیء (مطهری، ۱۳۷۶ش، ج ۲۲، ص ۵۵۱) پرورش داده شده است.

۲) فرزندپروری

فرزند در لغتنامه عمید به معنای پسر یا دختر هر دو یا زنی نسبت به خود او (عمید، ص ۷۱۷). پروری از ریشه پروردن به معنای تربیت کردن، رشد دادن و مراقبت نمودن است (معین، ص ۴۱۶). فرزندپروری در اصطلاح به مجموعه ای از رفتارها، نگرش ها و شیوه های تربیتی والدین گفته می شود که بر رشد جسمی، هیجانی، شناختی و اجتماعی کودک تأثیر می گذارد (جهانشاهی فرد، ص ۵۳).

الف) شاخصه های اعتقادی فرزند پروری در خانواده از منظر آموزه های اسلامی

در ابتدا به برخی از شاخصه های فرزند پروری در بعد اعتقادی پرداخته می شود.

۳. روحیه تعبد

آنچه برای فرزندان در خانواده مهم است، یکی مسئله رشد ایمان مذهبی و اندیشه ی اسلامی در ذهن ها و دل های آنان است و یکی رشد روحیه ی تعبد در آنان، یعنی تسلیم خدا بودن. معنای مسلم این است: «و نحن له مسلمون»، نحن له مسلمون یعنی ما تسلیم خداییم. معنای تعبد این است: «إني تبت إليك و إني من المسلمين» یعنی تسلیم فرمان خدا بودن. این معنای تعبد است. باید این روحیه رشد کند. البته می دانید

تعبد با استدلال عقلی و گرایش به مسائل عقلانی، با اعتقاد به علم و فعالیت علمی و دانشگاهی و دانشجویی هیچ منافاتی ندارد. همه ی آن ها باید باشند تعبد هم باید باشد (مصباح یزدی، ص ۶۹-۶۵).

روحیه تعبد و بندگی و ایجاد فضای معنوی در خانواده، آرامش خانواده را برقرار می کند و اعضای خانواده را به سوی طاعت و بندگی سوق داده و زندگی زوجین را سرشار از معنویت می کند. خانواده ای که دارای روحیه قوی بندگی باشد در برابر کمبودها، سختی ها و نا ملائمت های زندگی هیچ گاه ترس و اضطراب و ناشکیبایی در ارکان خانواده به وجود نمی آید. حکمت غایی تشکیل خانواده و هدف نهایی اسلام از این همه تأکید بر تشکیل و تحکیم و تداوم آن، گسترش ارزش های انسانی، انتشار آرمان های توحیدی و ایجاد روحیه تعبد و بندگی است. اگر فرزند در خانواده ای تربیت یابد که هدف آن، ایجاد روحیه تعبد و بندگی اعضای خانواده باشد در این صورت فرد با ایمان فرضاً در اثر پیشامدهای روزگار اگر صدمات و لطماتی ببیند، چندان نگرانی ندارد و در برابر تعالیم دینی سرتعظیم فرود می آورد. امام علی (علیه السلام) و حضرت فاطمه (علیها السلام) برای برقرار ساختن روحیه تعبد و بندگی در زندگی خود از روش ها و برنامه های خاصی استفاده می کردند. امیرالمؤمنین (علیه السلام) به دلیل روحیات و مؤانستی که با خدا و عبادت و قرائت قرآن داشتند، در تحکیم فضای بندگی خداوند متعال در خانواده نقش مهمی را ایفا می کردند. ایشان اتاقی را به عبادت اختصاص داده و اوقاتی برای مناجات با خدا قرار داده بودند (محمدی ری شهری، ص ۲۲). همچنین حضرت زهرا (علیها السلام) در تحکیم روحیه و ایجاد فضای الهی در خانواده سهیم بودند به طوری که در اولین لحظات زندگی مشترک خود حضرت علی (علیه السلام) را به نماز و عبادت خداوند متعال دعوت می کند و هردو به نماز و تهجد الهی می پردازند (شوشتری، احقاق الحق و ازهاق الباطل، ج ۴، ص ۴۸۱)، سپس چند روز بعد پیامبر از علی (علیه السلام) می پرسد که فاطمه (علیها السلام) چگونه همسری است، پاسخ می دهد: نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَی طَاعَةِ اللَّهِ (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب (علیهم السلام)، ج ۳، ص ۳۵۶)؛ او بسیار مددکار و یاری کننده به عبادت و طاعت خداوند است. ایشان زمان و مکان مشخصی داشتند و در خانه محلی را برای محرابش قرار داده بود، لباس مخصوصی برای نماز داشت، برای نماز از بوی خوش استفاده می کرد، به غروب و شب جمعه برای استجابت دعا اعتقاد داشت، برای درک شب قدر و احیای آن برای فرزندانش برنامه ریزی می کرد، نماز و دعاها و ویژه ای برای موضوعات مختلف و روزهای هفته داشت، مناجات و تعقیبات خاصی پس از نمازهای واجب داشت، به حدی برای نماز و عبادت بر پا می ایستاد که پاهایش ورم می کرد (مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۸۴؛ قمی، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، ج ۲، ص ۷۰۴).

۲. ایمان قلبی

یکی از مهم‌ترین زمینه‌های پرورش فرزندان با هویت دینی و اخلاقی، ایمان قلبی والدین، به‌ویژه مادر است. تقویت باور درونی به خداوند، نه‌تنها پیش از بارداری بلکه در سراسر زندگی، بنیان اعتقادی خانواده را استوار می‌کند و بستر رشد فرزندان مؤمن و متعهد را فراهم می‌سازد. مادری که ایمانش را عمیق می‌کند، در رفتار، گفتار و سبک زندگی، حضور خداوند را جاری می‌بیند و ناخودآگاه این باور را به فرزند انتقال می‌دهد. برای استحکام این ایمان دو مسیر اساسی توصیه شده است:

۱_ دانش و مطالعه آگاهانه: شناخت ژرف‌تر از آفرینش، اندیشه در آیات قرآن و تأمل در معارف دینی، دل را به حقیقت نزدیک و باورها را استوار می‌کند.

۲_ خودسازی و پالایش درونی: دل پاک، آینه تابش نور ایمان است. دوری از گناه و مراقبت از دل، شفافیت این آینه را حفظ کرده و جایگاه ایمان را استحکام می‌بخشد. وقتی ایمان قلبی در جان والدین ریشه بدواند، رفتارهای روزمره خانواده رنگی الهی پیدا می‌کند: رعایت حقوق یکدیگر، پرهیز از ظلم و تلاش برای رضای الهی به اصل ثابت در خانه تبدیل می‌شود. چنین اعتقادی، بنیان خانواده را محکم می‌کند و از آن هسته‌ای سالم و پویا برای جامعه می‌سازد. الگوی روشن این سبک زندگی را می‌توان در سیره اهل‌بیت(ع)، به‌ویژه زندگی مشترک امام علی(ع) و حضرت زهرا(س)، مشاهده کرد؛ خانواده‌ای که بر پایه ایمان و یقین بنا شد و نمونه کامل یک خانواده مطلوب اسلامی گردید. به این ترتیب، ایمان قلبی والدین، به‌ویژه مادر، رکن اساسی نقش اعتقادی در فرزندپروری است؛ عاملی که شخصیت کودک را با باورهای دینی پیوند می‌دهد و مسیر زندگی او را به سوی سعادت و رضایت الهی هدایت می‌کند(رضایی اصفهانی، مجموعه مقالات کنگره بازخوانی ابعاد شخصیتی امیرالمومنین علی علیه السلام، ج ۱۰، ص ۴۰۰).

۳. تقوای الهی

یکی از پایه‌های اساسی فرزندپروری اخلاقی، پرهیزکاری و تقوای والدین است. وقتی پدر و مادر، به‌ویژه مادر که بیشترین زمان را با کودک سپری می‌کند، زندگی خود را بر ایمان، عمل صالح و اخلاق نیکو استوار سازند، تربیت فرزند نیز رنگی عمیق و ماندگار به خود می‌گیرد. والدی که خود در رفتار و گفتار، صداقت، مهربانی، قناعت و مسئولیت‌پذیری را نشان می‌دهد، عملاً بهترین الگوی اخلاقی برای کودک است. در چنین فضایی، کودک می‌آموزد که ارزش‌های معنوی و اخلاقی از زرق‌وبرق مادی و تجمل‌گرایی برتر است و ثروت یا شهرت هدف اصلی زندگی نیست. اگر والدین در خانه میانه‌روی، ساده‌زیستی و دوری از اسراف را به عنوان شیوه زندگی انتخاب کنند، فرزندان به جای حرص و طمع، روحیه ی قناعت، شکرگزاری و همدلی با دیگران را فرا می‌گیرند. چنین تربیتی، نه‌تنها از بروز خصلت‌های منفی مانند حرص و خودسری پیشگیری می‌کند، بلکه جامعه را از بسیاری آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی می‌رهاند. در واقع، خانواده‌های آراسته به تقوا و پرهیزکاری، هسته اصلی یک جامعه سالم را می‌سازند. فرزندان که در این فضا رشد می‌کنند، کمتر نیازمند

در نتیجه، اصل آزادی کودک در این دوره، باید به گونه‌ای باشد که از تحمیل‌های بی‌مورد دوری شود و در عین حال، باید توجه داشت که آزادی کودک نباید به نقض حقوق دیگران منتهی شود. کودک باید با مرزهای قابل فهم آشنا شود اما نباید از او خواسته‌های پیچیده‌ای که قادر به درک آن‌ها نیست، انتظار رفتاری سختگیرانه داشت.

الف) احترام والدین به کودکان

کودکان در سنین مختلف نیاز به توجه و احترام دارند. از این رو، والدین باید با دقت به خواسته‌های آن‌ها پاسخ دهند. روح حساس و لطیف کودک با کوچک‌ترین رفتار نادرست ممکن است ناراحت و افسرده شود. بنابراین، باید از هر گونه تحقیر کودک و بیان عیب‌ها و خطاهای او، به ویژه در مهمانی‌ها و دیدارهای خانوادگی، اجتناب کرد و با روشی حکیمانه ویژگی‌های مثبت او را تأیید و تشویق نمود.

بعضی والدین اشتباهاً فکر می‌کنند که پدر و مادر حق دارند که با سلطه‌جویی بر فرزندانشان رفتار کنند و هر طور که بخواهند با آن‌ها برخورد کنند. در این زمینه، آموزه‌های پیامبر اسلام و پیشوایان معصوم (ع) در برخورد با فرزندان، بزرگ‌ترین درس‌های تربیتی هستند. از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده است: «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُغْفَرَ لَكُمْ؛ فرزندان خود را محترم بشمارید و آدابشان را نیکو کنید تا مشمول آمرزش الهی شوید.»

روزی مردی در حضور پیامبر به دلیل رفتاری که فرزندش انجام داده بود، از او انتقاد کرد. پیامبر به او فرمود: «فرزندت تیر از تیرهای تیرانداز توست.» این جمله به این معناست که فرزند، پاره‌ای از وجود تو و سرمایه‌ی آینده‌ات است. با بی‌احترامی به او، نه تنها به خودت آسیب می‌زنی، بلکه کسی را که در آینده حامی و پشتیبان تو خواهد بود، تحقیر می‌کنی. هر کار خوبی که او انجام دهد، تو هم در پاداش آن شریک خواهی بود.

شاد کردن کودکان

یکی از آموزه‌های ارزشمند اسلام، محبت و ایجاد نشاط در دل کودکان است. بازی با فرزند، هدیه دادن، قصه گفتن هنگام خواب و حتی خرید لباس‌های زیبا و مناسب می‌تواند به شادی و رضایت کودک کمک کند.

روزی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در حال حرکت به سوی مسجد برای اقامه نماز بود. در راه، گروهی از کودکان انصار که مشغول بازی بودند، پیامبر را دیدند و بلافاصله به سوی او دویدند و به دامنش چسبیدند. پیامبر از یک سو نمی‌خواست آنان را دلشکسته کند و از سوی دیگر باید خود را به نماز جماعت می‌رساند. در این لحظه، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تصمیم گرفت که زمانی کوتاه را به این کودکان اختصاص دهد و با آنها مهربانی کند. در همین زمان، بلال حبشی از مسجد خارج شد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، پس از آنکه بلال حبشی در جستجوی ایشان به راه افتاد، مدتی بعد ایشان را در کنار گروهی از کودکان پیدا کرد و از جریان مطلع شد. بلال که قصد داشت کودکان را تنبیه کند، با دیدن رفتار محبت‌آمیز پیامبر با آنان، متوقف

شد. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «برای من بهتر است که وقت نماز کمی فشرده شود تا اینکه کودکان را دلشکسته کنم.»

سپس حضرت به بلال گفت: «به خانه برو و از خرماهایی که داریم بیاور تا با آنها این کودکان را خوشحال کنیم.» بلال پس از جستجوی کوتاهی، تنها هشت دانه خرما پیدا کرد و آنها را به حضور پیامبر آورد. پیامبر صلی الله علیه و آله خرماها را میان کودکان تقسیم کرد و بدین ترتیب آنها شاد و راضی شدند و پیامبر را رها کردند تا به نماز بپردازد.

(ز) پرهیز از کودک آزاری

یکی از رفتارهای نادرستی که در برخی خانواده‌ها رایج است، کودک آزاری است. این رفتار در تاریخ بشر سابقه‌ای طولانی دارد و ممکن است از سوی والدین، برادران، خواهران یا حتی افراد دیگر رخ دهد. هر نوع رفتاری که منجر به رنجش و آسیب به کودک شود، به عنوان کودک آزاری شناخته می‌شود. تنبیه‌های جسمی و روانی بیش از حد، دشنام، تحقیر، توهین، بیرون راندن از خانه، داغ کردن با سیگار، زندانی کردن در دستشویی یا حمام و بسیاری از رفتارهای نادرست دیگر، همه از مصادیق کودک آزاری هستند.

کمیت‌پیشگیری از کودک آزاری در سال ۱۹۸۳ میلادی، سوءرفتار عاطفی را چنین تعریف کرده است: «هر گونه فشار افراطی و پرخاشگرانه غیرمنطقی از سوی والدین که فراتر از توان کودک باشد، کودک آزاری محسوب می‌شود.»

کودک آزاری به دو نوع جسمی و روانی تقسیم می‌شود که البته آزار روانی به مراتب زیان‌بارتر از آزار جسمی است و پیامدهای آن در دوران جوانی و بزرگسالی به شکل مشکلات اخلاقی و اجتماعی آشکار می‌شود. در برخی فرهنگ‌ها، برای کودکان کوچک هیچ‌گونه ارزشی قائل نمی‌شوند؛ به‌طوری‌که به آنها لباس‌های کهنه می‌پوشانند، غذای نامناسب به آنها می‌دهند، حضورشان را در جمع مهمان‌ها محدود می‌کنند، از بازی و اسباب‌بازی محروم‌شان می‌کنند، در سفرها برایشان صندلی مستقل در نظر نمی‌گیرند و کوچک‌ترین لغزششان را با ضرب و شتم جبران می‌کنند.

بدترین حالت زمانی است که پدر و مادرها بدون در نظر گرفتن پیامدهای منفی تبعیض، این گونه ظلم‌ها را به فرزندان خود و نسل آینده روا می‌دارند. در مقابل، برخی پدران و مادران در آرزوی داشتن فرزندی هستند و از خداوند می‌خواهند که فرزندی به آنها عطا کند تا زندگی‌شان از شادابی و نشاط پر شود.

انتخاب نام نیک برای کودک

بدون شک، نامی که برای فرزند خود انتخاب می‌کنیم تأثیرات روانی عمیقی بر روحیه و شخصیت او خواهد داشت. یک نام زیبا و نیکو می‌تواند الهام‌بخش خوبی‌ها و ویژگی‌های مثبت باشد، در حالی که یک نام زشت و نامناسب ممکن است تداعی‌گر بدی‌ها و رفتارهای منفی باشد. این تأثیرات تا حدی می‌تواند در شکل‌گیری شخصیت کودک و تعاملات اجتماعی او نقش داشته باشد.

یکی از مهمترین حقوقی که والدین بر عهده دارند، انتخاب نام مناسب برای فرزندشان است. نامی که برای کودک انتخاب می‌شود، می‌تواند اعتماد به نفس او را تقویت کرده و او را در جامعه به عنوان فردی برجسته و محترم معرفی کند. در مقابل، نام‌های زشت و نامناسب، کودک را در معرض احساس حقارت و سرافکندگی قرار می‌دهند و ممکن است در او احساسات منفی و عقده‌های روانی ایجاد کنند.

در تاریخ اسلام، انتخاب نام‌های زیبا و نیکو برای فرزندان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. به عنوان نمونه، حضرت ابوطالب (علیه‌السلام) در روز هفتم تولد حضرت محمد (ص)، با انتخاب نام "احمد" برای ایشان، به دنبال تاکید بر ستودگی و ویژگی‌های برجسته انسانی و آسمانی بودند. امام صادق (علیه‌السلام) نیز توصیه کردند که در هنگام بارداری، والدین از جمله نام‌های نیکو و مقدس برای فرزند خود استفاده کنند.

همچنین پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) تاکید داشتند که بهترین نام‌ها برای فرزندان، نام‌های انبیاء و به خصوص نام‌های "عبدالله" و "عبدالرحمن" هستند. این انتخاب‌ها علاوه بر احترام به مقدسات، باعث ایجاد حس عظمت و تقدس در شخصیت کودک می‌شود.

در زمانی که پیامبر اسلام به نبوت مبعوث شدند، بسیاری از قبایل و مناطق نام‌های زشت و ناپسند داشتند، که اغلب با ویژگی‌های منفی و شرارت‌های اجتماعی ارتباط داشت. پیامبر اسلام دستور دادند که این نام‌ها تغییر یابند و اسامی زیبا و برازنده برای آنان انتخاب شود. ایشان همچنین سفارش کردند که والدین برای فرزندان خود نام‌هایی شایسته و نیکو انتخاب کنند.

بنابراین، والدین محترم باید در انتخاب نام برای فرزندانشان دقت و توجه ویژه‌ای داشته باشند. این انتخاب نه تنها بر آینده کودک تأثیرگذار است بلکه می‌تواند مایه‌ی سربلندی و افتخار برای خانواده و جامعه باشد.

نتیجه‌گیری

اصول تربیتی در نظام تربیتی اسلام به‌عنوان مبانی کلیدی برای هدایت مربیان در فرآیند تربیت و دستیابی به اهداف تربیتی اهمیت ویژه‌ای دارند. این اصول به‌طور کلی و جامع هستند، اما ممکن است دامنه برخی از آنها نسبت به اصول دیگر وسیع‌تر باشد، یا حتی برخی از این اصول به دوره‌های سنی خاصی مرتبط باشند.

در سیره تربیتی امامان معصوم (ع)، توجه به اصول تربیت فرزندان از اهمیت خاصی برخوردار است. در این مقاله، به برخی از اصول تربیتی برجسته در سیره پیشوایان معصوم (ع) پرداخته شده است؛ اصولی همچون

اصل زمینه‌سازی، پیشگیری، تکریم، تدریج، توجه به توانایی‌ها و ظرفیت‌های متربی و اصل آزادی و پرهیز از تحمیل بر کودک.

یافته‌های اصلی این تحقیق به شرح زیر است:

۱. تربیت فرزند؛ فرآیندی مستمر و پیچیده: تربیت فرزند فرآیندی مستمر و پیچیده است که برای دستیابی به اهداف تربیتی مورد نظر، لازم است ابتدا زمینه‌ها و شرایط مناسب برای اجرای برنامه‌های تربیتی فراهم شود. این موضوع در تمامی سنین باید مورد توجه قرار گیرد.

۲. پیشگیری از موانع و آسیب‌های تربیتی: والدین باید علاوه بر ایجاد زمینه‌های مناسب، به موانع و آسیب‌های احتمالی در فرآیند تربیت توجه کنند و در هر فعالیت تربیتی، با شناسایی این مشکلات، از بروز آنها جلوگیری کنند و از تأثیرات منفی آنها بر فرزندان خود پیشگیری نمایند.

۳. حفظ احترام و شأن فرزندان: والدین باید در هر مرحله سنی، حرمت فرزندان خود را حفظ کنند و از هر گونه رفتاری که موجب بی‌احترامی یا خدشه‌دار شدن شأن فرزندان شود، خودداری کنند.

۴. توجه به توانمندی‌های فرزندان در فرآیند تربیت: با توجه به اینکه فرزندان در هر دوره سنی توانمندی‌های خاص خود را دارند، لازم است در تمام برنامه‌ها و فعالیت‌ها، این واقعیت مدنظر قرار گیرد. والدین باید از سخت‌گیری و توقعات فراتر از توان فرزندان خود بپرهیزند و به میزان توانایی‌های آنها از آنها انتظار داشته باشند.

۵. تربیت تدریجی و گام به گام: تربیت یک فرآیند تدریجی و گام به گام است که در آن فعالیت‌ها باید متناسب با سن، جنسیت و رشد فرزند طراحی و اجرا شود. این فرآیند باید به صورت طبیعی، منطقی و بدون عجله صورت گیرد.

۶. آزادی و عدم تحمیل در دوران کودکی: در دوران اولیه کودکی، والدین باید اجازه دهند که کودک در انجام فعالیت‌های خود آزاد باشد و تجارب مختلف را به دست آورد. آنها باید از تحمیل رفتارهای اجتماعی یا دینی که فراتر از درک و فهم کودک است، خودداری کنند.

منابع

*قرآن

۱. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، چ ۲۷، ۱۳۹۱ ه ش
۲. محمدی ری شهری، محمد، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۹ ش.

۳. مصباح یزدی، قرآن در آئینه نهج البلاغه، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) نوبت چاپ: سوم ۱۳۸۸ ش.
۴. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد مطهری، قم: صدرا، چاپ هفتم، ۱۳۷۶ ش.
۵. ابن فارس، ابوالحسین، معجم مقائیس اللغة، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ۱۳۹۹ ق.
۶. اصفهانی، حسین، مفردات ألفاظ القرآن الکریم، لبنان: دار العلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ ق.
۷. فراهیدی، خلیلی بن احمد، العین، قم: انتشارات دارالهجره، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.
۸. شوشتری، قاضی نورالله، احقاق الحق و ازهاق الباطل، با مقدمه و تعلیقات آیت الله مرعشی نجفی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ ق.
۹. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، نجف، المكتبة الحیدریة، ۱۳۷۶ ق.
۱۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران، انتشارات کتابچی، چ ۵، ۱۳۸۴ هـ ش.
۱۱. قمی، عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، قم، اسوه.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۱۳ ق.
۱۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
۱۴. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لایحضره الفقیه، تحقیق و مقدمه: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۲۹ ق.
۱۵. رضایی اصفهانی، مجموعه مقالات کنگره بازخوانی ابعاد شخصیتی امیرالمومنین علی علیه السلام.